

تحلیل ماهیت تدبر در قرآن از منظر تفاسیر امامیه

علی راد (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی)

ali.rad@ut.ac.ir

محمد علیان نظری (کارشناس ارشد تفسیر روایی، دانشگاه قرآن و حدیث)

Mo.a.nazari@gmail.com

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۱۸)

چکیده

تدبر از جمله اصطلاحات مهم مطرح شده در قرآن است که در چهار آیه قرآن بر آن تأکید شده است. این اصطلاح هر چند در ظاهر معنای روشنی دارد، ولی دیدگاه‌های مختلفی از سوی اندیشمندان عرصه تفسیر در باره آن بیان شده است. مفسران امامیه چهار دیدگاه در باره مفهوم تدبر، مطرح کرده‌اند: ۱. اندیشه در آیات قرآن برای فهم معانی و مقاصد؛ ۲. اندیشه در معانی و مقاصد آیات برای تذکر؛ ۳. اندیشه در آیات قرآن برای فهم انسجام در قرآن؛ ۴. اندیشه در بلاغت آیات قرآن برای فهم انسجام در قرآن. نگاشته حاضر با نقد و بررسی این چهار دیدگاه، به دیدگاه قابل پذیرش در باره «تدبر» اشاره می‌کند. اندیشه در معانی و مقاصد آیات برای تذکر، همان معنای درست از تدبری است که قرآن، مخاطبان خود را به آن دعوت می‌کند.

کلیدواژه‌ها: تدبر در قرآن، مفسران امامیه، ماهیت تدبر در قرآن.

۱. مقدمه

«تدبر در قرآن» از عصر نزول قرآن مورد توجه قرآن و پیامبر ﷺ بوده است؛ اما به مفهوم آن، تصریح نشده است. البته علت آن ممکن است روشن بودن این مفهوم برای مخاطبان عصر نزول و عصر معصومان علیهم‌السلام باشد.

تفاسیر امامیه، از قرن دوم تا آغاز قرن چهاردهم - ذیل آیاتی^۱ که در آنها به تدبیر در قرآن اشاره شده است - مطالبی در مورد چیستی و ماهیت تدبیر در قرآن بیان داشته‌اند. قرن چهاردهم و پانزدهم، بحث تدبیر در قرآن در تفاسیر پررنگ‌تر از گذشته مطرح شده است. از میان تفاسیری که به موضوع تدبیر پرداخته‌اند، می‌توان به المیزان فی تفسیر القرآن (علامه طباطبایی) و تفسیر تسنیم (جوادی آملی) اشاره کرد.

در سال‌های اخیر نیز کتاب‌ها و مقالاتی در زمینه «تدبیر» نوشته شده است: پژوهشی پیرامون تدبیر در قرآن، ولی الله نقی پورفر؛ قواعد التدرّ الأمثل لکتاب الله عزّ و جلّ، الميدانی؛ تدبیر القرآن بین النظرية و التطبيق، رقیه طه جابر العلوانی؛ منهج التدرّ القرآن الکریم، حکمت بن بشیر یاسین؛ فن التدرّ فی القرآن الکریم، عصام بن صالح العوید؛ مفتاح تدبیر القرآن، خالد بن عبد الکریم اللاحم؛ تدبیر القرآن، سلمان بن عمر السنیدی؛ تدبیر القرآن .. لماذا و کیف؟ عبد الرحمن التریکی؛ تعلیم التدرّ، هاشم بن علی الأهدل؛ «تدبیر در قرآن»، محمد حسین الهی زاده؛ «تدبیر در قرآن کریم»، علی صبحی؛ «تدبیر چیستی، چرایی و چگونگی»، احمد رضا اخوت و مریم قاسمی؛ «ریشه‌شناسی واژه قرآنی تدبیر»، محمود کریمی و مرتضی سلمان نژاد. در تحقیق حاضر سعی شده با استفاده از تفاسیر امامیه، دیدگاه‌های مختلف در مورد این بحث، گردآوری و با نقد و بررسی این دیدگاه‌ها، دیدگاه مختار در مورد ماهیت تدبیر در قرآن ارائه شود.

۲. ماهیت «تدبیر در قرآن»

با جست و جو در آثار مفسران امامیه، پنج دیدگاه متفاوت در باره «تدبیر در قرآن» به دست می‌آید. نخست، هر کدام از این دیدگاه‌ها را تقریر کرده و دلایل هر کدام را بررسی می‌کنیم و سپس به نقد آنها می‌پردازیم.

هر دیدگاه را با عنوانی که حاکی از رویکرد آن دیدگاه در مفهوم شناسی تدبیر است، نام‌گذاری می‌کنیم. در سیر بررسی دیدگاه‌ها، ابتدا به دیدگاه‌های مشهور و در ادامه به سایر دیدگاه‌ها می‌پردازیم.

۲-۱. دیدگاه اول: تدبیر، فهم معنا و مقصود است

برخی از مفسران امامیه بر این باورند که تدبیر به معنای اندیشه برای فهم معنا و مقصود است. شیخ طوسی (بی‌تا)، از مفسران قرن پنجم و ابوالفتوح رازی (۱۴۰۸ق)، از مفسران قرن ششم، «تدبیر» را «نظر در عواقب امر و رسیدن به معنای آیات» معرفی کرده‌اند (طوسی: ۲۷۰/۳؛ رازی:

۳۳ / ۶ و هر دو مفسر به استناد دعوت قرآن به تدبر، قول کسانی را که قایل اند بدون احادیث رسول ﷺ نمی‌توان قرآن را تفسیر کرد، نادرست می‌دانند. مدرسی (۱۴۱۹ق) از مفسران قرن پانزدهم، نیز تنها راه فهم معانی قرآن را «تدبر» می‌داند و می‌نویسد:

تدبر، با تفسیر به رأی و تحمیل بر قرآن متفاوت است. تفسیر به رأی، این است که بدون اندیشه و دلیل، معنایی به آیات قرآن نسبت داده شود؛ ولی تدبر، اندیشه و استنباط معنا از آیات قرآن است (۲۵ / ۱).

شیخ طوسی (بی‌تا) در تحلیل لغوی خود بر واژه «تدبر» می‌نویسد:

تدبر، نظر کردن در عاقبت یک امر است که ریشه اصلی آن «دبر» به معنای پشت است ... و فرق بین تدبر و تفکر این است که «تدبر» نظر در عاقبت و «تفکر» نظر در دلایل یک امر است (۲۷۰ / ۳).

ایشان با اشاره به استعمالات مختلف ماده «د ب ر» درصدد است تا نشان دهد که «تدبر در قرآن» اندیشه در آیات قرآن پشت سر هم برای رسیدن به عاقبت آن است که همان معنا و مقصود آیات است.

در تأیید استدلال ایشان می‌توان به بیان زبیدی صاحب تاج العروس (۱۴۱۴ق)، در توضیح این واژه اشاره کرد:

و التَّدْبِيرُ: النَّظَرُ فِي عَاقِبَةِ الْأَمْرِ، أَيْ إِلَى مَا يُؤُولُ إِلَيْهِ عَاقِبَتُهُ، كَالتَّدْبِيرِ ... وَ فِي الْكِتَابِ الْعَزِيزِ: ﴿أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ﴾ (مؤمنون: ۶۸)، أَيْ أَلَمْ يَتَفَهَّمُوا مَا خُوطِبُوا بِهِ فِي الْقُرْآنِ وَ كَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿أَفَلَا يَتَدَّبَّرُونَ الْقُرْآنَ﴾ (نساء: ۸۲)، أَيْ أَفَلَا يَتَفَكَّرُونَ فِيَعْتَبِرُوا، فَالْتَّدْبِيرُ هُوَ التَّفَكُّرُ وَ التَّفَهُّمُ؛

«تدبیر» یعنی اندیشه کردن در عاقبت و سرانجام امر؛ همانند «تدبّر»... و در قرآن آمده است: «آیا در گفتار خدا تدبّر نکردند»؛ یعنی آیا سخن خدا در قرآن را فهم نکردند و همچنین آمده است: «آیا در قرآن تدبّر نمی‌کنند»؛ یعنی آیا اندیشه نمی‌کنند [در قرآن] تا عبرت بگیرند. پس «تدبّر» همان اندیشه نمودن و فهم کردن است (دبر).

بنا بر این، «تدبّر در یک گفتار یا متن»، «اندیشه برای فهم آن متن» است.

۲-۲. دیدگاه دوم: تدبر، تفکر در معانی و مقاصد است

برخی از مفسران امامیه نیز بر این باورند که تدبر به معنای «اندیشه در معنا و مقصود آیات» است. بنا بر این، در نظر ایشان، فهم معنا و مقصود مربوط به حیطه تدبر نیست، بلکه تدبر بعد از

تحصیل معنا و مقصود صورت می‌پذیرد و آن اندیشه در معنا و مقصود آیات برای رسیدن به عبرت و تذکر است.

طبرسی (۱۳۷۲)، از مفسران قرن ششم، این معنا را از تدبر بیان کرده و در مقام بیان عبرت و تذکری که تدبر به آن می‌انجامد، اقوال مختلفی ذکر می‌کند (۳/ ۱۲۵). ملا فتح الله کاشانی (۱۳۳۶)، از مفسران قرن دهم نیز تدبر را تأمل در حقایق معانی آیات، معرفی می‌کند (۸/ ۵۰). عاملی (۱۴۱۳ق)، از مفسران قرن دوازدهم و ششم، از مفسران قرن سیزدهم، در معنای ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ﴾، آورده‌اند: «بتأملون معانیه؛ یعنی در معانی آن اندیشه کنند» (عاملی: ۱/ ۳۲۹؛ شبر: ۲/ ۷۴). سبزواری (۱۴۱۹ق)، از مفسران قرن چهاردهم، می‌نویسد:

تدبر در قرآن، تأمل در معانی قرآن برای درک مواعظ، تهدیدها، وعده‌ها، وعیدها، مثل‌ها و احکام و همچنین برای کشف اعجاز و بلاغت قرآن است (۹۶).

خوبی (بی‌تا)، از علمای قرن پانزدهم نیز تدبر را تفکر در معانی و مقاصد قرآن معرفی می‌کند (۳۰).

در کلام ایشان مستندات برای این معنا از تدبر ارائه نشده است؛ اما در بیانات اهل لغت به این معنا اشاره شده است. سید علی خان کبیر (۱۳۸۴) در کتاب لغت خود می‌نویسد:

و تدبر الأمر: نظر فی أدباره؛ آی فی عواقبه و ما یؤول إليه فی آخره و منتهاه. ثم استعمل فی کل تأمل. و منه: تدبر الکلام: إذا تأمل فی معانیه و تبصر ما فیه؛

«امر را تدبر کرد»، یعنی در عاقبت و سرانجام آن اندیشه کرد. سپس «تدبر» در مورد هر تأمل و اندیشه‌ای استعمال شده است. و از این باب است: «کلام را تدبر کرد»؛ یعنی در معانی آن اندیشه کرد و نسبت به آنچه در آن بود، بصیرت پیدا کرد (دبر).

احتمال دارد بیان زبیدی، صاحب تاج العروس نیز - که برای تأیید دیدگاه پیشین آورده شد - بر این معنا قابل حمل باشد؛ یعنی منظور ایشان از تفکر و تفهّم، تفکر برای فهم معنا نیست، بلکه تفکر برای درک معنا و عبرت‌پذیری است. از معنایی که ایشان برای آیه ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ﴾ بیان کرد، این مطلب قابل استفاده است.

۲-۳. دیدگاه سوم: تدبر، فهم انسجام است

برخی از مفسران امامیه نیز بر این عقیده‌اند که تدبر، به معنای اندیشه‌ای است که نتیجه آن کشف هماهنگی آیات قرآن و ثمره آن، علم به خدایی بودن قرآن است. این دیدگاه نیز مانند

دیدگاه دوم، تدبر را اندیشه در معانی آیات می‌داند و تمایز دو دیدگاه به عموم خصوص مطلق است. دیدگاه پیشین، نتیجه این تأمل را رسیدن به پندها و موعظه‌هایی می‌داند که یکی از موارد آن علم به هماهنگی آیات است و ثمره آن، علم به خدایی بودن قرآن است؛ ولی دیدگاه حاضر تدبر را همان اندیشه برای فهم هماهنگی و انسجام آیات معرفی می‌کند. البته می‌توان گفت صاحبان این دیدگاه نافی دیدگاه پیشین نیستند، بلکه به مقتضای آیه ۸۲ سوره نساء - که دیدگاه خود را ذیل آن مطرح کرده‌اند - نتیجه تدبر را منحصر به فهم انسجام نموده‌اند. به عنوان مثال، طبرسی (۱۳۷۲) - که تدبر را اندیشه در معانی آیات می‌داند - در نتایج تدبر، علاوه بر فهم انسجام، موارد دیگر را نیز ذکر می‌کند:

۱. تدبر کنند تا بدانند که تناقضی در آن نیست؛ پس به خدایی بودن آن اعتراف کنند؛
۲. تدبر کنند تا بدانند که توانایی هم‌آوردی ندارند؛ پس به خدایی بودن آن اعتراف کنند؛
۳. تدبر کنند تا به نظم و زیبایی کلام معرفت یابند. پس به خدایی بودن آن اعتراف کنند (۱۲۵ / ۳).

علامه طباطبایی (۱۴۱۷ق)، از مفسران قرن چهاردهم، ذیل آیه ۸۲ سوره نساء «تدبر» را «اندیشه و تأمل در آیات قرآن» معرفی می‌کند؛ لکن تأملی که فایده و نتیجه آن رفع اختلاف از قرآن است؛ چه اختلاف تناقض، چه اختلاف تدافع و چه اختلاف تفاوت. در واقع، ایشان تأمل در آیات مربوط به هم را برای روشن شدن یک موضوع، «تدبر» دانسته است:

پس مراد آیه این است که مخاطبین قرآن را به تدبّر در آیات قرآنی تشویق کند؛ به این صورت که هر حکم نازل شده یا هر حکمت بیان شده یا هر داستان حکایت می‌شود یا هر موعظه و اندرزی که نازل می‌گردد را به همه آیاتی که مربوط به آن موضوع است، عرضه بدارند؛ چه آیات مکی و چه مدنی، چه محکم و چه متشابه. آن گاه همه را پهلوی هم قرار دهند تا کاملاً بر ایشان روشن گردد که هیچ اختلافی بین آنها نیست و متوجه شوند که آیات جدید، آیات قدیم را تصدیق و هر یک شاهد بر آن دیگری است؛ بدون این که هیچ گونه اختلافی در آن دیده شود؛ نه اختلاف تناقض به این که آیه‌ای آیه دیگر را نفی کند و با هم سازگار نباشند و نه اختلاف تفاوت به این که دو آیه از نظر تشابه بیان و یا متانت معنا و منظور مختلف باشند و یکی بیانی متین‌تر و رکنی محکم‌تر از دیگری داشته باشد. ﴿كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِي تَنْشَعْرُ مِنْهُ الْجُلُودُ﴾ (زمر: ۲۳)؛ کتابی است که الفاظش شبیه به هم، هر جزء آن با جزء دیگر شبیه است که از شنیدن آیاتش

پوست بدن جمع می‌شود. همین نیافتن اختلاف در قرآن کریم، آنان را رهنمون می‌شود به این که این کتاب از ناحیه خدای تعالی نازل شده، نه از ناحیه غیر او ... (۱۹ / ۵).
 جوادی آملی (۱۳۸۴)، از مفسران قرن پانزدهم، با اشاره به معنای دیگر تدبیر - که اندیشه در باره یک آیه است - تصریح می‌کند که از آیه ۸۲ سوره نساء، معنای اندیشه برای فهم انسجام برای تدبیر استفاده می‌شود:

تدبیر مطلوب در این آیه، با در نظر گرفتن همه آیات قرآن است، نه صرف یک یا چند آیه؛ به دو شاهد:

الف. محور استدلال آیه شریفه برای اثبات نزول قرآن از سوی خداوند سبحان، پیراستگی آن از اختلاف و هماهنگی آیات آن است؛ حال آن که اگر به یک آیه بنگریم، هماهنگی آن با دیگر آیات روشن نمی‌شود.

ب. ظهور واژه «القرآن»، فراتر از تدبیر در یک آیه است؛ گر چه به یک آیه نیز قرآن گفته می‌شود. ظاهر آیه این است که چرا در مجموعه‌ای از آیات قرآن نمی‌اندیشید تا نیک دریابید که هیچ اختلافی در آنها نیست. البته اگر هدف بررسی هماهنگی آیات قرآن نباشد و مقصود تدبیر در مضمون یک آیه باشد، تأمل در حدود همان آیه کافی به نظر می‌رسد (۱۹ / ۶۲۴).

بنا بر این، طبق آیه ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ (نساء: ۸۲) - که نتیجه تدبیر را فهم نبود اختلاف در قرآن (به عبارتی: فهم هماهنگی آیات قرآن) و ثمره آن را علم به خدایی بودن قرآن معرفی می‌کند - استناد این دیدگاه به قرآن درست است، ولی تعریف جامعی از تدبیر مورد نظر قرآن را بیان نمی‌کند؛ چرا که معنای اشاره شده در آیه ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقُرْآنُ أَنْ تُذَكَّرُوا بِالْآيَاتِ الَّتِي أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْقُرْآنَ لِتَتَذَكَّرُوا وَأَلَّا تَكُونَ مِنْ أَهْلِ الْقُرْآنِ الَّذِينَ يَنْسَوْنَ وَالَّذِينَ نَسُوا قُرْآنَ اللَّهِ وَيَتَّبِعُونَ غُيُوبَهُ وَ هُمُ الَّذِينَ يَنْسَوْنَ قُرْآنَ اللَّهِ وَ هُمُ الَّذِينَ هُمْ كَذِبُوا﴾ (ص: ۲۹) گسترده‌تر از این معنا است و باید با لحاظ هر دو آیه، معنای جامعی از تدبیر ارائه شود.

۲-۴. دیدگاه چهارم: تدبیر، توجه به بلاغت قرآن است

برخی از مفسران امامیه نیز بر این باورند که تدبیر، به معنای اندیشه‌ای است که نتیجه آن کشف اعجاز بلاغی در آیات قرآن و ثمره آن علم به خدایی بودن قرآن است. در واقع، ایشان نیز همان معنایی را مطرح می‌کنند که دیدگاه دوم مطرح کرد و باز وجه تمایز این دیدگاه با دیدگاه دوم به سعه و ضیق ایشان برمی‌گردد. در این دیدگاه، اندیشه در معنای آیات بیشتر با لحاظ توجه به

بلاغت آیات همراه بوده و باز تنها اثر تدبر را علم به خدایی بودن قرآن معرفی می‌کنند ولی دیدگاه دوم گسترده است.

طبرسی (۱۳۷۲) «تدبر» را «تفکر در آیات قرآن» دانسته و یکی از نتایج آن را علم به بلاغت، نظم، هماهنگی و حکم قرآن عنوان می‌کند (۳/ ۱۲۵). ملا فتح الله کاشانی (۱۳۳۶)، از مفسران قرن دهم و شبر (۱۴۱۲ق)، از مفسران قرن سیزدهم، با این که در جای دیگر تدبر را به اندیشه در معانی و مقاصد آیات معنا کرده بودند، در ذیل آیه ۸۲ سوره نساء، به ترتیب، «تدبر» را «تأمل در معنای آیات و تفکر در اعجاز الفاظ» و «اندیشه در اعجاز نظم قرآن» دانسته‌اند (کاشانی: ۳۲۲/ ۱؛ شبر: ۳۳۴).

آنچه باعث شده است ایشان چنین معنایی را از تدبر ارائه کنند، این است که آیه ۸۲ سوره نساء مخاطب را دعوت به تدبر می‌کند و غایت آن را علم به خدایی بودن قرآن می‌داند و چون یکی از وجوه کشف خدایی بودن قرآن توجه به بلاغت فوق العاده قرآن در مقایسه با دیگر متون است، از این رو، ایشان تدبر را اندیشه در بلاغت آیات قرآن دانسته‌اند که موجب اثبات خدایی بودن قرآن است.

لکن استناد این دیدگاه به آیه ۸۲ سوره نساء مخدوش است؛ چرا که آیه شریفه منظور خود از تدبر را کشف هماهنگی آیات معرفی می‌کند و از رهگذر کشف هماهنگی، مخاطب خود را به خدایی بودن قرآن متوجه می‌کند. از این رو، توجه به بلاغت قرآن هر چند یکی از وجوه اثبات خدایی بودن قرآن است، ولی تعریف تدبر آن را شامل نمی‌شود.

بنا بر آنچه گذشت، در میان مفسران امامیه چهار دیدگاه در مفهوم‌شناسی تدبر مطرح است:

۱. اندیشه در آیات قرآن برای فهم معانی و مقاصد؛
۲. اندیشه در معانی و مقاصد آیات برای تذکر؛
۳. اندیشه در معانی آیات قرآن برای فهم انسجام در قرآن؛
۴. اندیشه در بلاغت آیات قرآن برای فهم انسجام در قرآن.

از میان این چهار دیدگاه، استناد دیدگاه چهارم به قرآن، نادرست بوده و سه دیدگاه پیشین، هر چند مستند به قرآن است، ولی هیچ کدام، بیان کاملی از تدبر مطلوب قرآن نیست. بنا بر این، در بخش آینده به ارائه دیدگاهی جامع از تدبر می‌پردازیم تا معیاری برای ارزیابی دیدگاه‌های ارائه شده در باب تدبر باشد.

۳. دیدگاه مختار در ماهیت «تدبر در قرآن»

با توجه به نقد و بررسی‌های پیش‌گفته، می‌توان تدبر را چنین معنا کرد: «اندیشه در معانی و مقاصد آیات برای رسیدن به تذکر».

دیدگاه اول (اندیشه در آیات قرآن برای فهم معانی و مقاصد) مقدمه‌ای است برای تدبری که مطلوب قرآن است؛ چرا که فهم معانی و مقاصد قرآن زمینه را برای اندیشه کردن در این معانی و رسیدن به تذکر آماده می‌کند. نکته قابل تأمل این است که فهم معانی و مقاصد آیات و سوره‌های قرآن در مواردی تخصصی است؛ در حالی که تدبر، وظیفه‌ای است که قرآن عموم انسان‌ها را به آن فرامی‌خواند.

علامه طباطبایی (۱۴۱۷ق) ذیل آیه ۲۹ سوره ص به عمومی بودن دعوت قرآن به تدبر اشاره می‌کند:

و المقابلة بين ﴿لِيَذَّبُرُوا﴾ و ﴿لِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾ تفيد أن المراد بضمير الجمع الناس عامة و المعنى: هذا كتاب أنزلناه إليك كثير الخيرات و البركات للعامة و الخاصة ليتدبره الناس فيهدتوا به أو تتم لهم الحجة و ليتذكر به أولو الألباب فيهدتوا إلى الحق باستحضار حجته و تلقيا من بيانه؛
از تقابل بين ﴿لِيَذَّبُرُوا﴾ و ﴿لِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾ استفاده می‌شود که مراد از ضمير جمع در ﴿لِيَذَّبُرُوا﴾ عموم مردم است و معنای آیه چنین است: این کتابی است که به سوی تو نازل شد و خیرات و برکات آن برای عامه مردم و خواص مردم زیاد است؛ [انزال این کتاب برای آن است] که عموم مردم در آن تدبر کنند و هدایت شوند یا بر آنها اتمام حجت شود و صاحبان خرد متذکر شوند و با استفاده حجت و دلیل از بیان قرآن به سوی حق هدایت یابند» (۱۹۷/۱۷).

دیدگاه سوم (اندیشه در معانی آیات قرآن برای فهم انسجام در قرآن) نیز یکی از مصادیق تعریف مذکور است؛ چرا که فهم انسجام یک نمونه از تذکری است که با تدبر به آن می‌رسیم و موجب علم به خدایی بودن قرآن می‌شود.

از آنجا که تدبر برای تذکر مطلق و تدبر برای تذکر خاص، یعنی فهم انسجام قرآن، در حیطه و روش تفاوت‌هایی با هم دارد، با دو عنوان از آنها یاد می‌کنیم و چون تدبر به معنای اول بیشتر از آیه ۲۹ سوره صاد و تدبر به معنای دوم از آیه ۸۲ سوره نساء استفاده می‌شود، به توضیح این دو آیه و روایات مربوط به آن در ذیل هر عنوان می‌پردازیم.

۳- ۱. تدبر: اندیشه در معانی و مقاصد قرآن برای تذکر

﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾؛

این قرآن کتابی گران قدر و پرخیر و برکت است که آن را به سوی تو فرستادیم تا همگان در آیات آن تدبر کنند و تا صاحبان خرد تذکر پذیرند (ص: ۲۹).

مخاطب آیه ۲۹ سوره صاد، وجود پیامبر اکرم ﷺ است. این آیه در تکمیل مطالبی است که در آیات قبل آمده است. بعد از مطرح کردن وقوع تکذیب پیامبر ﷺ از سوی مشرکان، خداوند در آیات دوازده و سیزده، با تذکر به این که همه پیامبران تکذیب شده‌اند، پیامبر ﷺ را دلداری می‌دهد و در آیات چهارده و پانزده با وعده عذاب بر مکذبین این دلداری را بیشتر می‌کند. لکن در آیه شانزده، برخورد دیگری از مشرکان مطرح می‌شود و آن بی‌اعتنایی به وعده عذاب است. در آیه هفده، خداوند پیامبر خود را به صبر دعوت کرده و تا آیه ۲۶ جریان داوود علیه السلام را برای ایشان بازگو می‌کند. اینجا است که آیات ۲۷ تا ۲۹ مطرح می‌شود:

[ای پیامبر] مشرکان که عقاب الهی را تکذیب می‌کنند، آیا گمان می‌کنند زمین و آسمان باطل آفریده شده است؟ یا گمان می‌کنند مفسدان و مؤمنان در یک جایگاه خواهند بود؟ قرآن کتابی است که به سوی تو نازل شد تا مردم در آیات آن اندیشه کنند و صاحبان عقل تذکر پذیرند. جایگاه این آیات نشان می‌دهد که تدبر در آیات قرآن با توجه به استدلال‌ات و احتجاجات قرآنی باعث می‌شود تا ایشان از گمان باطل خود دست بردارند. در این آیه شریفه به معنا و مفهوم «تدبر» اشاره نشده است و لکن با توجه به جایگاه آیه و همچنین ترتب تذکر بر تدبر، می‌توان گفت: «تدبر»، اندیشه در معانی آیات به منظور تذکر است.

تنها روایتی که در خصوص این آیه به دست ما رسیده است، چنین است: امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ۱۲۱ سوره بقره، ضمن توضیح «حق تلاوت قرآن» به نکاتی مهم اشاره می‌کند و در ادامه، با بیان این مطلب که حق تلاوت قرآن همان «تدبر در آیات» است، آیه ۲۹ سوره صاد را قرائت می‌فرماید:

فی قوله تعالی ﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ﴾ (بقره: ۱۲۱) قال: یرتلون آیاته و یتفهمون معانیه و یعملون بأحكامه و یرجون وعده و یخشون عذابه و یتمثلون قصصه و یعتبرون أمثاله و یأتون أوامره و یجتنبون نواهیه ما هو و الله بحفظ آیاته و سرد

حروفه و تلاوة سوره و درس أعشاره و أحماسه حفظوا حروفه و أضعوا حدوده و إنما هو تدبر آیاته يقول الله تعالى: ﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمِ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ﴾ (بقره: ۱۲۱)؛ در تفسیر آیه ﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمِ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ﴾ (بقره: ۱۲۱) فرمود: آیاتش را ترتیل کنند و معانی اش را بفهمند و به احکامش معرفت پیدا کنند و به وعده هایش امیدوار و از عذابش ترسان باشند و از داستان هایش الگو و از مَثَل هایش پند گیرند و اوامرش را به جای آورند و نواهی اش را اجتناب کنند. به خدا قسم! حق تلاوت به حفظ آیات و پشت هم چیدن حروف و تلاوت سوره و آموختن ده آیه و پنج آیه نیست؛ حروفش را حفظ کردند و حدودش را ضایع کردند؛ بلکه حق تلاوت، تدبر در آیات الهی است، خدای تعالی می فرماید: ﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمِ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ﴾ (بقره: ۱۲۱) «(ورام، ۱۴۱۰ق: ۲۳۶/۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق: ۱/۳۱۶)».

با توجه به حدیث شریف، مفهوم «تدبر» شامل موارد زیر است: ترتیل آیات، فهم معانی، علم به احکام، امیدواری به وعده ها، ترس از عذاب، و امتثال پیام داستان ها، عبرت از مَثَل ها، به جا آوردن اوامر و اجتناب از نواهی. در واقع، این همان معنایی است که از توضیح آیه ۲۹ سوره صاد استفاده شد؛ یعنی **تدبر برای تذکر**.

حدیثی که از امام علی علیه السلام روایت شده است، نیز بر این معنا قابل تطبیق است:

تَدَبَّرُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ وَ اعْتَبِرُوا بِهِ فَإِنَّهُ أَبْلَغُ الْعِبَرِ؛

در آیات قرآن تدبر کنید و به وسیله آن عبرت بیاموزید که همانا قرآن رساترین عبرت ها است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۳۱۸).

۲-۳. تدبر: اندیشه برای فهم انسجام آیات در قرآن

﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾؛

پس آیا در قرآن تدبر نمی کنند؟ و اگر قرآن از جانب غیر خدا بود، قطعاً در آن ناسازگاری و ناهماهنگی بسیار می یافتند (نساء: ۸۲).

با توجه به سیاق آیه، مخاطبان توبیخ شده در این آیه، همان کسانی هستند که به بهانه آیات قتال در باره خدایی بودن قرآن به تردید افتاده اند. در آیه ۷۷ می فرماید که ما در مکه به ایشان فرمان دادیم که از مبارزه و قتال خودداری کنند و نماز برپا دارند و زکات بپردازند، حال که در مدینه به ایشان فرمان قتال صادر می کنیم، ترسیده و اعتراض می کنند.

آیه به این نکته توجه می‌دهد که اگر در قرآن تدبر می‌کردند و عدم اختلاف در قرآن را وجدان می‌کردند، هیچ‌گاه در خدایی بودن آن به تردید نمی‌افتادند. پس تدبر اندیشه‌ای است که نتیجه آن، وجدان عدم اختلاف در قرآن است.

امام علی علیه السلام در تبیین جایگاه مهم قرآن در استفاده احکام شرعی و در ردّ اختلاف فتاوا به خاطر بی‌توجهی به قرآن به این آیه اشاره می‌کند:

در حکمی از احکام قضیه‌ای نزدیکی از ایشان مطرح می‌گردد او به رأی خود حکم می‌دهد، سپس همان بر دیگری ارائه می‌شود او حکمی دیگر صادر می‌نماید، آن‌گاه به نزد رهبری می‌روند که مسند قضا را به آنان سپرده است او هم صحت هر دو حکم را تصدیق می‌نماید در حالی که خدا و پیامبر و کتابشان یکی است.

آیا خداوند آنان را به اختلاف دستور داده و آنان اطاعتش کرده‌اند یا آنان را از اختلاف نهی فرموده و آنان از نهی او سرپیچی نموده‌اند؛ یا خداوند دینی ناقص نازل نموده و از آنان برای کامل نمودنش یاری خواسته یا این فتوا دهندگان در حکم شریک خداوندند که می‌توانند به رأی خود حکم نمایند و بر خداوند است که به حکم آنان رضایت دهد یا خداوند دین کاملی فرستاده، ولی رسولش - که درود خدا بر او و آتش باد - در تبلیغ آن کوتاهی کرده؛ در صورتی که خداوند می‌فرماید: «در کتاب چیزی را فرونگذاشتیم.» و می‌فرماید: «بیان هر چیزی در آن است.» و تذکر داده که بعض قرآن گواه بعض دیگر است، و اختلافی در آن نیست و فرموده: «اگر این کتاب از سوی غیر خداوند نازل شده بود در آن اختلاف فراوان می‌یافتند». قرآن ظاهرش زیبا، و باطنش عمیق و ناپیداست، شگفتی‌هایش تمام شدنی نیست و غرابیش پایانی ندارد و تاریکی‌ها جز با قرآن از فضای حیات زوده نگردد. (شریف رضی، ۱۴۱۴ق: خطبه ۱۸).

در این حدیث شریف به معنا و مفهوم واژه «تدبر» در آیه اشاره نشده است و لکن به این مطلب اشاره شده است که نتیجه تدبر در قرآن کشف عدم اختلاف در قرآن است و بر همین مبنا امام علیه السلام اختلاف فتاوایی را که با مراجعه به قرآن قابل حل است، مورد انتقاد قرار داده است و این مؤید همان معنایی است که در توضیح آیه سوره نساء به آن اشاره شد.

۴. نتیجه‌گیری

با نقد و بررسی دیدگاه‌هایی که از تفاسیر امامیه، استفاده شد، معلوم می‌شود متعلق تدبر، معانی آیات است و منظور از آن رسیدن به تذکر است. حال یکبار این تذکر، مطلق در نظر گرفته شده

است که مضمون آیه ۲۹ سوره صاد به آن اشاره دارد و یکبار تذکر خاص مورد نظر است که آیه ۸۲ سوره نساء به آن توجه می‌دهد.

طبق مضمون آیه اول، تدبر اندیشه در آیات قرآن برای تذکر است و طبق مضمون آیه دوم، تدبر اندیشه در آیات برای فهم انسجام و هماهنگی آیات در قرآن است.

تدبر به هر دو مفهومی که ارائه شد، می‌تواند در لایه آیات و یا سوره‌های قرآن صورت گیرد؛ به این معنا که تدبر اگر برای تذکر است، هم می‌تواند تذکر از آیه‌ای باشد که سخن منسجم و دارای مقصود در آن بیان شده است و هم می‌تواند تذکر از سوره باشد که سخنی منسجم است و اگر تدبر برای کشف انسجام و هماهنگی آیات است، هم می‌تواند در آیات مختلف از قرآن حول یک موضوع واحد یا مسأله‌ای واحد، جست و جو شود و هم می‌تواند انسجام در آیات یک سوره مورد بحث باشد.

پی‌نوشت:

۱. ص: ۲۹؛ مؤمنون: ۶۸؛ نساء: ۸۲؛ محمد (ص): ۲۴.



کتابنامه

۱. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ق). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول؛
۲. بحرانی، هاشم بن سلیمان. (۱۴۱۶ق). البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، چاپ اول؛
۳. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم، بی‌جا: دار الکتاب الإسلامي، چاپ دوم؛
۴. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۴ش). تسنیم تفسیر قرآن کریم، قم: نشر اسراء، چاپ پنجم؛
۵. خوبی، سید ابو القاسم. (بی‌تا). البیان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی، چاپ اول؛
۶. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله. (۱۴۱۹ق). ارشاد الازهان الی تفسیر القرآن، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، چاپ اول؛
۷. شبر، سید عبد الله. (۱۴۰۷ق). الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، کویت: مکتبه الألفین، چاپ اول؛
۸. ———. (۱۴۱۲ق). تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دار البلاغة للطباعة و النشر، چاپ اول؛
۹. شریف رضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ق). نهج البلاغة، قم: هجرت، چاپ اول؛
۱۰. طبرسی، علی بن حسن. (۱۳۸۵ق). مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، نجف: المکتبه الحیدریة، چاپ دوم؛
۱۱. ———. (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بی‌جا: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم؛
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین، چاپ پنجم؛
۱۳. طوسی، محمد بن حسن. (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی؛
۱۴. عاملی، علی بن حسین. (۱۴۱۳ق). الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، قم: دار القرآن الکریم، چاپ اول؛